… ياران مهربان عبدالبهاء، مدّتی بود که در تحرير و تقرير…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٩٤

… ياران مهربان عبدالبهاء، مدّتی بود که در تحرير و تقرير تأخير شد زيرا اين بنده آستان کبريا عبدالبهاء چهار سال متمادياً در خاور و باختر سفر مينمود و ندا به ظهور ربّ الجنود مينمود تا غرب منوّر گردد و شرق معطّر شود لهذا در جميع مجامع و صوامع نعره يابهاءالابهی به اوج ملأ اعلی متواصل شد و فرياد ياعليّ الاعلی به بارگاه حضرت کبريا متتابع گشت ملّتی نماند که در معابد موجوده تبليغ امر مليک وجود نشد و فرقه‌ای نماند که در محفل ترتيل آيات ربّ ودود نگرديد\*\*.\*\* در کنائس مسيحيان نفخ روح شد و در معابد يهود بشارت ظهور ربّ الجنود منتشر گشت در دارالفنونهای اوروپ و امريک نظير اکسفورد انگليز و دارالفنون کاليفورنيا که اوّل مدارس عالم است خطاب بليغ گشت و بيان فصيح شد منجمله در دارالفنون سانفرانسيسکو در مقابل صد و هشتاد و پنج پروفسور و هزار و هشتصد تلامذه بيان بليغ گرديد. در مجامع تياسوفيها و روحيّون و اسپرانتو حتّی در مجمع زنادقه امريکا خطابهای بديع مجری گشت و در جميع اين مواقع و محافل و کنائس و معابد به فضل و عنايت جمال مبارک نفسی مقتدر بر کلمه‌ای اعتراض و احتراز نشد کلّ اصغای تعاليم و براهين مينمودند و جميع در وقت خروج اظهار تشکّر ميکردند و اين به عون و عنايت جمال مبارک بود که در جميع مواقع تأييدات ملکوت ابهی موج ميزد و صريخ عبدالبهاء به اوج ميرسيد و البتّه در جرائد امريک و اوروپ که اثر کِلک ملل سائره است قرائت نموده‌ايد الحقّ ما شهد به عموم الازکياء\*\*.\*\*

اين مندرجات جرائد اثر خامه ملّت روح و ملّت کليم و فلاسفه و پروفسور و ارباب اقلام و ادبای غرب است مثلاً جريده دارالفنون اعظم کاليفورنيا و جريده اکسفورد دارالفنون شهير انگلترا و روزنامه کريستچن کامانولث و جريده سانتچری و هرالد و استاندارد و جرائد عربی نيويورک جميع اين اوراق به قلم فلاسفه و پروفسور و ادبای باختر تحرير يافته و اين نيست مگر از فضل و موهبت جمال مبارک که اراده مطلقه به نشر امر اللّه در جميع اقطار تعلّق يافته و تأييد عبد آستان نمود. باری عبدالبهاء هرچند خود را قطره داند ولکن محيط اعظم ممدّ آن و بمثابه ذرّه شمرد ولکن خورشيد انور مؤيّد آن. اين همه آوازه‌ها از شه بود يعنی به تأييد او. باری البتّه جسد عنصری و قوای بشری تحمّل اين مشقّت مستمرّی ننمايد و اگر بدرقه عنايت نبود استخوان اين ناتوان البتّه ميگداخت ولی عون و صون حضرت مقصود نصير و ظهير عبدالبهای عليل و ضعيف بود لهذا از شدّت تعب و شکستگی در اعصاب خستگی حاصل شد و از هجوم علل در جسم فتور حاصل گشت ولکن الحمد للّه روح چنان قوّتی يافت که اين ضعف عظيم و فتور شديد به اندک مدّتی به کلّی زايل گشت لهذا دوباره عنقريب عبدالبهاء به تحرير و تقرير خواهد پرداخت و مقصود ديگر نيز در اين سکون و سکوت بود که احبّای الهی روش عبدالبهاء گيرند و چنان آهنگی بلند کنند و ثبوت و استقامتی نمايند که از بقا و فنای عبدالبهاء فتوری در نشر نفحات اللّه حاصل نگردد بلکه کلّ مانند دريا به جوش آيند و بمثابه طيور ملأ اعلی به خروش تا نفوسی که منتظر فوت و موت اين بنده آستان الهی هستند خائب و خاسر شوند و بدانند که علوّ امر مبارک و سموّ کلمة اللّه منوط و مشروط به بقای عبدالبهاء نه\*\*.\*\*

سبحان اللّه چقدر عجيب است وقتی که حضرت اعلی روحی له الفداء شهيد شدند اعداء گفتند که اين امر به کلّی از ميان رفت بعد ملاحظه کردند که بالعکس از شهادت حضرت اعلی اعلاء کلمة اللّه شد. بعد منتظر صعود جمال مبارک شدند که بعد از صعود جمال مبارک شجره مبارکه از ريشه برافتد الحمد للّه که به عون و عنايت جمال مبارک خائب و خاسر شدند حال مدّعيان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهاء هستند که يا گرفتار دار گردد و يا در قعر دريا مقرّ جويد و يا به دورترين ديار و قلاع سرگون شود و يا به سبب علل و امراض ترک اين آواز و راز نمايد تا آنان را جولانگاهی پيش آيد، هيهات هيهات امر اللّه به قوّت ملکوت ابهی از جميع اين مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند خواه عبدالبهاء موجود و خواه مفقود. آيا از صعود آن دو آفتاب درخشنده فتوری در امر اللّه ظاهر شد تا از فنای اين بنده دو درگاه وهنی در امر اللّه حاصل گردد. هيهات هيهات فسوف ترونهم فی خسران مبين. چنان که بعد از صعود در بدايت بحبوحه نقض و طغيان خبر داده شد که فسوف ترون النّاقضين فی خسران مبين. حال ملاحظه مينمائيد که به مطابق خبر تحقّق يافت پس مطمئن باشيد که اين اوهام حاضره نيز مثل تصوّرات ماضيه است و همچنين بعضی ميگويند که عبدالبهاء مشرف بر وداع است و قوای او رو به انحطاط و ناتوانی لهذا عنقريب اين عوارض سبب خاتمه زندگانی گردد نه چنان است الحمد للّه به عنايت جمال مبارک هرچند جسم در بلايای سبيل مبارک به گمان ناقضان و ناقصان ناتوان آيد ولی قوای حقيقی در نهايت جوانی و توانائی و الحمد للّه حال به فضل و موهبت جمال مبارک قوّه جسمانی نيز حاصل و سنوحات رحمانی شامل و بشارات ربّانی واضح و فرح روحانی لائح امّيد چنان است که من بعد در تحرير و تقرير تلافی مافات گردد\*\*.\*\*

ای ياران باوفای جمال مبارک از الطاف بديعه آن دلبر يکتا امّيد چنان است که جوش و خروشی جديد در ياران الهی پديد شود تا از آهنگ ملکوت ابهی که غيب امکان را به اهتزاز آورده سرور و وجدی عظيم يابند و کلّ بر اعلاء کلمة اللّه قيام کنند تا نفحات اللّه خاور و باختر را جنّت ابهی نمايد و ابر موهبت روی زمين را گلشن برين کند و نسيم عنايت دشت و صحرا را معطّر و معنبر فرمايد و اين به تبليغ امر اللّه و توضيح برهان اللّه و اقامه دلائل و حجج الهی و هدايت من علی الارض است. ملاحظه کنيد که حواريّين حضرت مسيح معدودی قليل بودند ولی چون از فيوضات حضرت مسيح مملوّ گشتند و وصايا و نصايح حضرت مسيح چون روح در عروق و شريان سريان يافت به قسمی که جز حبّ و ذکر حضرت مسيح در وجود نماند و قيام به تبليغ کردند واضح است چه اثر و ثمری عظيم حاصل شد حال ما نيز بايد چنين بنمائيم. ای احبّای الهی اليوم هر نفس مبلّغی مؤيّد است و مبلّغين صف اوّل مقرّب درگاه کبريا و مستمدّ از ملکوت ابهی لهذا بايد احبّای الهی نهايت محبّت و احترام و رعايت را در حقّ مبلّغين مجری دارند و در هر جا وارد گردند سرور و حبور حاصل يابد\*\*.\*\*

امّا اوصاف مبلّغين در الواح الهی نازل مطابق آن اوصاف عمل فرمايند واللّه الّذی لا اله الّا هو اگر پشه ضعيفی اليوم به صفات مبلّغين متّصف گردد و ندا به ملکوت الهی نمايد نسر طائر آسمانی شود و ذباب فانی عقاب اوج رحمانی گردد قطره موج دريا زند و ذرّه روشنائی آفتاب دهد از جميع اطراف فرياد اين المبلّغين بلند است و از ملکوت ابهی ندای اين المنجذبين اين المنقطعين اين الطّيّبين الطّاهرين به گوش هوش ميرسد زيرا استعداد عجيبی در آفاق ظاهر شده است تا اين ندا استماع کنند ای ياران الهی همّتی نمائيد تا اين شمع شاهد هر انجمن گردد و اين آهنگ الهی سبب شادمانی هر انسانی شود و عليکم البهاء الابهی…

